دوماهنامهٔ جستارهای زبانی
د۸، ش۱ (پیاپی ۳۶)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، صص۲۰۷-۲۳۰

نقدی معناشناختی بر ترجمه‌های فارسی واژهٔ «دون» در *قرآن کریم*

فاطمه گلی ملک آبادی[۱]، محمد خاقانی اصفهانی[۲*]، رضا شکرانی[۳]

۱. دانش‌آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. استاد زبان عربی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۳. استادیار الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

دریافت: ۹۳/۱۲/٤ پذیرش: ۹٤/۳/۱۲

چکیده

تکیه‌بر اصل روابط هم‌نشینی و جانشینی، از مهم‌ترین راه‌هایی‌ست که امروزه ادب‌پژوهان در فهم معنای متون از آن استقبال کرده‌اند. این پژوهش با تکیه‌بر این اصل، می‌کوشد تا دربارهٔ معنای صریح و ضمنی ظرف «دون» در قرآن کریم بحث و بررسی کند و میزان توجه مترجمان قرآن به این معانی و انتقال آن به زبان مقصد (فارسی) را مشخص کند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش ــ که با روش معناشناسی ساختاری و با استناد بر متون تفسیری و زبانی نگاشته شده ــ بیانگر این مطلب است که واژهٔ «دون» کارکردها و معانی مختلفی در قرآن کریم دارد که مترجمان در انتقال آن‌ها همیشه موفق نبوده‌اند. معنای پایهٔ آن (غیریت مع التسفل)، تقریباً در تمامی کاربردها به‌چشم‌می‌خورد؛ ازاین‌رو، در برگردان «من‌دون‌الله»، می‌توان از «جز خدا که پایین‌تر است» بهره جست. برگردان «فرودِ» یا «از فرودِ» در ترجمه‌های کهن فارسی نیز، از انطباق حداکثری ترجمه با واژه مبدأ برخوردار است؛ زیرا هم استثنای «غیر» و هم معنای «تسفل» و «فروتری» را در خود گنجانده است. سیاق و بافت کلام، به‌ویژه متعلَق «دون»، در معنای نسبی آن مؤثر و به اعتبار قرب و تأخّر و تسفّل در رتبه، یا کمیت یا کیفیت دارای معانی ضمنی «قبل، امام، غیر، اقل، و ...» نیز هست.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، ترجمهٔ فارسی، واژهٔ «دون»، معناشناسی.

---

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: khaqani@fgn.ui.ac.ir

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

۱. مقدمه

نقش معناشناسی[۱] واژه‌ها، براساس بافت زبانی ــ که در این پژوهش بر آن تکیه شده است ــ در شناخت مفهوم صحیح آیات قرآن کریم، غیرقابل‌انکار است؛ این دانش، به توصیف معنای یک واژه[۲]، باتوجه‌به بافت کلامی که در آن قرار گرفته است، می‌پردازد و می‌کوشد با درنظرگرفتن هم‌نشین‌ها، جانشین‌ها و هم‌جوارهای واژه و مشتقاتش در متن، معنای صریح و ضمنی[۳] آن‌ها را بررسی کند.

یکی از واژه‌های کاربردی و چندمعنایی در قرآن «دون» است. «دون» در قرآن، در نُه نمونه، به‌صورت ظرف منصوب و در هفتاد نمونه، در کنار لفظ جلاله، در ترکیب «من دون الله» ــ برای نهی از پذیرش چیز یا فردی غیر از خداوند که در مقام بسیار پایین‌تری است ــ و روی‌هم‌رفته ۱٤٤بار در ترکیب‌های مختلف و ساخت‌های متنوع تکرار شده است و با این بسامد، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار، و ترجمهٔ صحیح آن امری ضروری است.

در این پژوهش، با تکیه‌بر همین اهمیت و با استفاده از منابع تفسیری، کوشش می‌شود دربارهٔ معانی مختلف واژهٔ «دون» در قرآن کریم با روش معناشناختی ساختاری[٤] و براساس محور جانشینی[٥] و هم‌نشینی[٦] بحث و بررسی شود و دربارهٔ شیوهٔ برخورد مترجمان با این واژه در ترجمه‌ها (ترجمهٔ آیتی، مکارم‌شیرازی، خرمشاهی، فولادوند و رضایی و همکاران) کنکاش شود؛ نیز می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که معانی مختلف واژهٔ «دون» در قرآن و بازتاب آن در ترجمه‌های فارسی چیست.

این جستار بر این فرضیه استوار است که «دون» در قرآن کریم در بافت‌های مختلف کلام و براساس روابط میان عناصر متن، معانیِ پایه[۷] و نسبی[۸] متفاوتی دارد؛ اما ترجمهٔ آن نزد هریک از مترجمان، بر نظریهٔ خاصی استوار نیست و ارائهٔ برخی ترجمه‌های فارسی مبتنی‌بر مفاهیم برداشت‌شده از این واژه، نمی‌تواند بازتاب مناسبی برای مفهوم دقیق آن باشد؛ ازاین‌رو، نیازمند بازنگری و دقت‌نظر است.

۲. پیشینه پژوهش

بنابر جست‌وجوی نگارندگان، در زمینهٔ نقد[۹] ترجمهٔ ظروف قرآنی به‌طورعام، و ترجمهٔ ظرف

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

«دون» به‌طورویژه، پژوهشی مستقل صورت نگرفته است؛ اما در حوزهٔ معناشناسی قرآنی با تکیه‌بر محور جانشینی و هم‌نشینی، شاید تنها مقاله، «تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوهٔ هم‌نشینی و جانشینی» از فرهاد ساسانی و پرویز آزادی (۱۳۹۱) باشد که تاحدبسیاری به حوزهٔ معناشناختی حق در قرآن پرداخته‌اند؛ نیز کتاب ***معناشناسی واژگان قرآن*** اثر صالح عضیمه (۱۳۸۰)، در این زمینه راهگشاست.

۳. دیدگاه‌های زبان‌پژوهان دربارهٔ واژه «دون»

به‌نظر نحویان، «دون» ظرف مکان منصوب به‌شمارمی‌آید (سیبویه، ۱۹۷۷، ج۱۳: ١٦٤؛ زجاجی، ۱۹۸۲، ج ۲: ۳٤۱؛ السامرایی ۲۰۱۲، ج ۲: ۱۸۲)، گرچه گاهی به معنای «پیش و قبل» کاربرد داشته، «ظرفِ زمان» بودن آن صحیح‌تر است؛ همچنین دربارهٔ زمانیه‌بودن آن در برخی آیات قرآن (السجدة، آیه ۲۱؛ الطور، آیه ٤٧) اتفاق‌نظر وجود دارد.

جدا از بررسیِ تمام آراء، واژه‌شناسان بر این باورند که «دون» نمی‌تواند مشتق باشد و در تمامی حالات جامد است. یا جامد غیرمصدری‌ست که فعلی ازآن مشتق نمی‌شود (ولایشتق منه فعل؛ابن‌فارس، ۱۹۹۱، ج ۳: ۲۸٤؛ الأزهری، ۲۰۱۰، ج ١٤: ۱۸۰)؛ یا جامد مصدری است، همچنان‌که قتیبی ازآن فعل گرفته وآن را مصدر «دانَ/ دانَ لـ» دانسته است: «دان یدون دونا إذا ضعف» (فراهیدی، ١٤١٠، ج ۸: ۷۲، زجاجی، ۱۹۸۲، ج ۲: ۳٤۱؛ راغب‌اصفهانی، بی‌تا: ۳۲۳).

باتوجه‌به آراء اجمالی لغویان باید گفت، بررسی نقش‌های مختلف «دون» نشان می‌دهد که اگر «دون» صفت واقع شود، مصدربودن آن صحیح‌تر است؛ زیرا مصدر در معنی مشتقات به‌کارمی‌رود و نه اسم جامد. ابن‌یعیش به نقل از زمخشری (١٤١٤) گوید: «قد یجیء المصدر ویراد به الفاعل و المفعول؛ فقد یوصف بالمصادر کما یوصف بالمشتقات، فوضعوا المصدر موضع اسم الفاعل، فعدل بمعنی عادل» (۱۳۷۸، ج ٦: ٥٠). با مصدر در صفت مبالغه می‌شود؛ زیرا آوردن مصدر به‌جای مشتق، مبالغه در صفت را نشان می‌دهد: «وفی الوصف بالمصدر مبالغه، وذکر هذه الفائده للوصف بالمصدر» (همان، ج ٥: ۱۰۸).

دون در حالت اسمی به‌صورت صفت و نعت کاربرد دارد، مانندِ «رَجُلٌ دونٌ»، یعنی فردِ مسترذل، «ثوب دون»، به معنای لباس بی‌ارزش؛ دون در نقش صفت به معنای «حَقیرٌ»، «خَسیسٌ» است، مانندِ «هو دونک» یعنی حقیرِ توست (سیبویه، ۱۹۷۷، ج ۱۳: ١٦٤)؛ «ابن سیدة:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

دونُ کلمة فی معنی التحقیر والتقریب، یکون ظرفاً فینصب، ویکون اسماً فیدخل حرف‌الجر علیه» (ابن‌منظور، ١٤٠٨: ١٣: ١٦٤) اگر ظرف واقع شود، معنای آن «تقریب» است، مانندِ «هذا دون ذلک» یعنی نزدیک‌تر از آن است (السامرائی، ٢٠١٢، ج ٢: ١٨٢). بنابراین، معنا نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین اعراب و نقش واژهٔ «دون» در جمله دارد. این واژه در فرهنگ‌های فارسی، در ظرف‌مکان حقیقی به‌کار نمی‌رود و بیشتر در معنای حقارت می‌آید و معانی‌ای چون «فرومایه» و «پست» دارد (دهخدا، ١٣٥٢؛ معین، ١٣٦٢)؛ افزون‌بر این، در زبان فارسی آن را شبه‌حرف‌اضافه، برگرفته از زبان عربی می‌دانند (خطیب‌رهبر، ١٣٦٧: ٣٥٥).

۴. بررسی «دون» در محور جانشینی و اثبات معنای آن

هر متن از واژه‌ها و عباراتی تشکیل شده که ساختار آن را به‌وجودآورده‌است. همهٔ آن‌ها در یک شبکهٔ معنایی حرکت می‌کنند؛ وحدت و انسجام آن نیز بر اثر تناسب درونی میان اجزاء به‌وجود می‌آید که می‌توان آن را در دو محور جانشینی و هم‌نشینی بررسی کرد. این‌دو «مانند تاروپودی هستند که ساخت و بافت کلام را در حوزهٔ معنایی خاص به‌وجودآورده‌اند» (احمدی، ١٣٨٠: ٢٠). در ساخت جمله رابطهٔ جانشینی حکم‌فرماست و به‌تبع آن، جایگزینی اجزای مختلف جمله نیز دگرگون می‌شود. رابطهٔ جانشینی یعنی «میان هریک از عناصر تشکیل‌دهندهٔ یک ساختار دستوری با سایر عناصری که ممکن است در یک خط عمودی به‌جای آن در یک ساخت قرار گیرند، نوعی رابطهٔ جانشینی برقرار است» (محمدپور، ١٣٩٠: ١٢٧).

بررسی «دون» در محور جانشینی، می‌تواند بینش باارزشی دربارهٔ روابط جایگزینی «دون» با واژه‌های مترادف «سوی، غیر و إلا» به‌دست‌دهد. از دیدگاه ایزوتسو[١٠] (١٣٦٠: ١٩٦)، اقلام واژگانی به شرطی هم‌معنا دانسته می‌شوند که بتوانند بدون ایجاد تغییری عمده در معنای جمله، به‌جای یکدیگر قرار گیرند (صفوی، ١٣٧٩: ١٠٦).

«دون» در عربی به‌معنای «جز»، «سوی» و «غیر» آمده است: «همه چیزی در خویشتن ظاهر بیند و دون خود چیزی نبیند؛ «بدون» نیز گاهی برای استثناء به‌کارمی‌رود و مترادف «به‌غیر» است: مردی که به راه عشق جان فرساید، آن به که بدون یار خود نگراید» (خطیب‌رهبر، ١٣٦٧: ٣٥٥).

گرچه «دُونَ» به‌معنی «سِوی» است (هذا الشّیء لک دون النَّاس)، در قرآن واژهٔ «سوی» با

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

معنای «غیریت» وارد نشده است و معنی «غیر» و «من غیر» نیز دارد، مانندِ «مشی دون أن یتعب» (جبران، ۱۹۷۸: مادهٔ دون) به معنای «بدون خستگی راه رفت». واژهٔ دون در این معنا، در قرآن ۱٤٤بار و با اعراب‌های متفاوت به‌کاررفته‌است. «غیر» واژه مبهمی است که گاهی به‌واسطهٔ تمییز توضیح داده می‌شود، برای نمونه، در «وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلامِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ» (آل‌عمران، آیهٔ ۸۵)، «دینا» تمییزی است که ابهام «غیر» را می‌زداید (صافی، ۱۹۹۸، ج ۳: ۲۳۸)؛ اما «دون» ابهامی ندارد.

«غیریت» معنای صریح و پایه برای «دون» است که آن را با دیگر واحدهای معنایی (سوی، غیر، إلا) پیوند می‌دهد. این معنا، در واژه‌های مشابه نیز یافت می‌شود؛ اما امتیاز «دون» در این است که معنای حقارت و فرودست‌بودن را نیز به همراه دارد. ازاین‌رو، در تمامی کاربردها، واژهٔ پیش از آن، ازنظر رتبه در سطح نازل‌تری از واژهٔ پس از آن قرار می‌گیرد، مانندِ «أَلَیْسَ اللَّهُ بِکافٍ عَبْدَهُ وَ یُخَوِّفُونَکَ بِالَّذینَ مِنْ دُونِهِ (الزمر، آیهٔ ۳٦).

در تمامی آیاتی که واژهٔ «دون» دارند، همین معنا دیده می‌شود (مصطفوی، ۱۳٦۰، ج ۳: ۲۸٤)[۱۱]، مانندِ «إِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ (۷: ۸۱؛ چون مردان برای کامیابی در مرتبهٔ کمتراز زنان هستند)؛ ازاین‌رو، می‌توان معنای «غیریت همراه با تسفّل» را که ***قاموس قرآن*** (قرشی، ۱۳۷۱، ج، ۳: ۲۸٤) ساخته و پیشنهاد کرده است، به‌عنوان اصل واحد در معنای «دون» درنظرگرفت.

۴-۱. بهترین برابرنهاد برای «دون» براساس معنای پایهٔ آن

بزرگ‌ترین هنر مترجم قرآن، یافتن معادلی دقیق است که معنی را به‌درستی منتقل کند. این مهم، مستلزم احاطهٔ کافی برزبان مقصد است؛ دهخدا (۱۳۵۲) که برای مترادف‌های «دون»، از «فرود» در کنار «پست» و «فرومایه» بهره جسته، آن را مقابل «عالی» دانسته است؛ معنای «غیریت همراه با تسفّل» نیز در زبان فارسی مترادف «فرود» است؛ چه این کلمه هم معنای استثنای مندرج در واژهٔ «غیر» را دارد و هم معنای «فروتر و پایین‌تر» که در «تسفل» نیز هست و به‌سببِ همین جامعیت، واژه‌ای مناسب‌تر از «فرود» در فارسی ــ یا به تعبیر بهتر از میان حروف اضافه فارسی ــ برای برابرنهاد واژهٔ «دون» وجود ندارد.

خانلری گوید: «قید «فرود» که «فرو» مخفف آن است، در فارسی دری هم مانند پیشوند فعل و هم در مقام حرف اضافه و هم قید به‌کار رفته، هرسه استعمال را دارد: پادشاه شد بر عرش و آنچه

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

فرود عرش است؛ تو بر آر آفتاب را از فرودشدن گاهش» (ناتل‌خانلری، ۱۳۷۲: ۲۰۳). خطیب‌رهبر (۱۳٦۷: ۳۹۵) نیز نمونه‌هایی برای قرارگرفتن آن به‌عنوان حرف اضافه آورده است؛ درواقع «فرود شبه‌حرف اضافه مترادف «جز» برای استثنا، و مرکب از دو جزء است: «فرود» و کسره اضافه؛ مانند: اِنْ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ إِلّا إِنَاثًا[۱۲] «گفت نمی‌پرستند اینان فرود خدای عزوجل را مگر بتان»[۱۳].

ترجمهٔ برگزیدهٔ این واژه «فرود» است؛ تنها معادل دقیقی که از انطباق حداکثری ترجمه با واژهٔ مبدأ برخوردار است و در ترجمه‌های کهن فارسی به‌عنوان تنها برگردان درخشیده است. اما متأسفانه از آسیب گردوغبار زمانه جان سالم به‌درنبرده است؛ هیچ‌یک از مترجمان معاصر بدین‌شیوه ترجمه نکرده‌اند، بلکه این واژه را به مترادف‌هایی چون «غیر، جز، جدا، مگر، الا و ..» برگردانیده‌اند که در فارسی از قیود و حروف استثنا به‌شمارمی‌رود (خانلری، ۱۳۷۲: ۲٤۱، ۲٥٦؛ خطیب‌رهبر، ۱۳٦۷: ۱۲۳، ۲۸۷، ۳۸۳، ٤٥۷) و برابرنهاد واژه‌های «غیر و الا» به‌شمارآمده است و معنای «تسفل و پایینی» را در خود نمی‌گنجاند. برخی نیز از «عوض» و «به‌جای» استفاده کرده‌اند که باز نمی‌تواند معنای تحقیرِ نهفته در واژه را منعکس سازد.

به‌کاربردن واژهٔ «فرود» در معنای یادشده، در فارسی امروزی مهجور است و علت آن، غلبهٔ به‌کاربردنِ واژهٔ عربی «دون»، برای نشان‌دادن همان معنا در فارسی است؛ بنابراین، وقتی این واژه در ترجمه وارد شده، نتوانسته است ظرافت معنایی و تفاوت آن را با واژه‌های مشابه آن چون «غیر، جز، مگر و ...» بازتاب دهد؛ اینجاست که مترجم «با یک حرکت، بر مضمون اصلی و معنی می‌جهد، نقش متن اصلی را با شم زبانیِ خود تعیین می‌کند و هر آنچه از متن برگرداندنی است، برمی‌گرداند؛ با همهٔ طنین و تداعی‌هایش، با چیزی نو و کاملاً متفاوت، ... که همان تأثیر اصل را بر خواننده بگذارد» (گنتزلر، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

برای هم‌خوانیِ واژهٔ «دون» با واژه‌های امروزی و ارائهٔ معنای روان و آسان‌فهم آن، می‌توان آن را به‌صورت «جز» و «پایین‌تر از خداوند» یا «غیری کمتر از خداوند» ترجمه کرد؛ یا اینکه توضیحی برای آن بیان کرد: «جز خدا که پایین‌تر است»، «غیر خدا که کمتر است»؛ باید افزود که دیگر برابرهایی که پیش‌تر برای این واژه کاربرد داشته است، عبارت‌انداز: «از فرود» و «از فرود از»؛ این برگردان‌ها به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای، به‌ویژه هنگام هم‌نشینی این واژه با حرف جر «مِن» به‌چشم‌می‌خورد که دراین‌باره معنای تأکیدی بیشتری از آن برمی‌خیزد که حتی‌الامکان باید در ترجمه نمود یابد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

در قرآن این واژه هفتادبار، در کنار لفظ «جلاله الله»، به‌صورت «من دون الله» قرار می‌گیرد که مقایسهٔ شیطان، بت‌ها و مخلوقات ذلیل با خالق توانا، باز هم اختلاف آشکار رتبه‌های واژه‌های پیش و پس از «دون» را نشان می‌دهد:

«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْداداً» (البقرة، آیهٔ ١٦٥)؛ «أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ/ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِباداً لي مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل‌عمران، آیه‌های ٦٤ و٧٩)؛ «وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ/ وَ لا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لا نَصيراً» (النسا، آیه‌های ١١٩ و ١٢٣)؛ «قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لا نَفْعاً/ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمِّيَ إِلهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (المائدة، آیه‌های ٧٦ و ١١٦)؛ «قُلْ إِنِّي نُهيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (الأنعام، آیهٔ ٥٦).

ازاین‌رو، به‌کاربردنِ برابرنهادی که حتی‌الامکان بتواند معنای نزدیک به مفهوم پنهان در واژهٔ «دون» را بنمایاند، بسیار ضروری است و بهترین گزینه برای این منظور، همان واژهٔ اصیل فارسی «فرود» یا دقیق‌تر از آن، «از فرود» است که در کتاب‌های حروف اضافه و ربط، برای شواهد کاربردیِ آن تنها به ترجمهٔ «من دون الله» در آیات مختلف استناد شده است: «وفرود از خداوند عزوجل شما را هیچ خداوندی نه ویاری نه... می پرستید فرود از خدای چیزی[١٤]... کجایند آنچه بودید می‌پرستیدند آن را از فرود خدای؟...می‌پرستند از فرود خدای آنچه سود ندارد ایشان را ... شما به مردان آیید بلواطت به آرزو ای از فرود از زنان[١٥]... گفتند از فرود او اولیاء[١٦]» (خطیب‌رهبر، ١٣٦٧: ٣٩٥-٣٩٦)؛ بدین‌ترتیب مترجمان پیشین، برای ترجمه «دون» در قرآن وسواس داشته و دقتی فروان کرده‌اند.

۴-۲. مرور ترجمه‌های «دون» در آیات قرآن

برخی واژه‌ها مانند «دون»، افزون‌بر معنای پایه، دارای معنای نسبی نیز هستند؛ اما در همهٔ موارد، یک معنای واحد از آیات مستفاد نمی‌شود؛ زیرا فضای متن بر واژه‌ها تأثیر می‌گذارد و معنای جدیدی ایجاد می‌کند. برای معانی نسبی «دون» در کتاب‌های لغت عربی چندین معنا دیده می‌شود. در ***مجمع‌البحرین*** نُه معنا از زبان نحویان ذکر شده است: «بمعنی قَبْل و بمعنی أمامَ و بمعنی وراء و بمعنی تحت و بمعنی فوق و بمعنی الساقط من الناس و غیرهم و بمعنی الشریف و بمعنی الأمر و بمعنی الوعید و بمعنی الإغراء» (طریحی، ١٣٧٥، ج ٢: ٧٢؛ ابن‌منظور، ١٤٠٨، ج ١٣:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

١٦٤)؛ به مناسبت معنای پایه، معانی «قرب»، «حقارت»، «خست»، «ضعف» و «سستی» فهمیده می‌شود؛ اما مفاهیم «عند»، «بعد»، «أقل» و جز این‌ها به اعتبار قرب و تأخّر و تسفّل در رتبه یا کمیت یا کیفیت است؛ معنی «دون» در «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لاَ یَکَادُونَ یَفْقَهُونَ قَوْلاً» (الکهف، آیهٔ ۹۳) و «وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خیفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» (اعراف، آیهٔ ۲۰۵)، نیز به‌ترتیب «خلف» و «نقیضِ ظرف فوق» است.

برای تبیین بیشتر معانی نسبیِ یادشده، نمونه‌هایی از آن در آیات قرآن آورده می‌شود؛ سپس به نقد و بررسی برخی از همین معانی پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. دون در معنای «جز»

این معنا آشناترین و پر بسامدترین معنای «دون» و متناسب‌ترین معنا با معنای پایه‌ای آن، یعنی «غیریت مع التسفّل» است.

«وَ مِنَ الشَّیَاطِینِ مَن یَغُوصُونَ لَهُ وَ یَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَالِکَ» (انبیاء، آیهٔ ۸۲)؛ فولادوند (١٤١٥) در ترجمهٔ این آیه می‌گوید: «شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می‌کردند»؛ مکارم (۱۳۷۳) این‌طور ترجمه کرده است که «شیاطین ... برایش (در دریاها) غواصی می‌کردند و کارهایی غیرازاین برای او انجام می‌دادند»؛ و اما خرمشاهی (۱۳۷۵) می‌گوید: «شیاطین را که برای او غواصی می‌کردند و کارهایی جز این هم انجام می‌دادند»؛ «دون» در این آیه معنای «غیر» و نقش نعت را دارد (صافی، ۱۹۹۸، ج ۱۷: ۵۷). در این آیه نمی‌توان معنای «کمتر و پایین‌تر» اراده کرد؛ زیرا سخن از بیان کرامات سلیمان و تسخیر جنیان است که دیگر اعمال آن‌ها، مسلماً پایین‌تر از موارد یادشده‌ای چون غواصی در دریا نبوده است: «هذا ذکر معجزة و کرامة لسلیمان... معرفة الأعمال العظیمة ... و من أعمال أخری». (ابن‌عاشور، بی‌تا، ۱۷: ۹۱).

«وَمَا لَکُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا نَصِیرٍ» (شوری؛ آیهٔ ۳۱)؛

فولادوند (١٤١٥): «و جز خدا شما را سرپرست و یاوری نیست»؛

مکارم (۱۳۷۳): «و غیر از خدا هیچ ولی و یاوری برای شما نیست!»؛

خرمشاهی (۱۳۷۵): «و شما را در برابر خداوند یار و یاوری نیست».

در این آیه نیز «من دون» به معنای غیر است که در برخی ترجمه‌ها مانند ترجمهٔ اخیر، در معنای «أمام» آمده است. ترجمه‌ای ازاین‌دست، در آیهٔ ذیل نیز دیده می‌شود:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُواْ بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُواْ مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللّهِ» (هود، آیهٔ ۱۳)؛

فولادوند (۱٤۱٥): «و غیر از خدا هرکه را می‌توانید فراخوانید»؛

مکارم (۱۳۷۳): «...و تمام کسانی را که می‌توانید غیر از خدا (برای این کار) دعوت کنید»؛

خرمشاهی (۱۳۷٥): «...و هر کسی را که می‌توانید در برابر خداوند به یاری بخوانید».

۴-۳. تاثیر متعلَق در ترجمهٔ ظروف

در ترجمهٔ اخیر «دون» در معنای «أمام» (اگر مبنا را ترجمه تحت‌اللفظی درنظربگیریم) صحیح نیست؛ گویا مترجم (خرمشاهی)، این آیه را با آیهٔ مشابه در سوره‌ای دیگر که متضمن همین مفهوم است، اشتباه گرفته است: «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ (البقرة، آیهٔ ۲۳)؛ ازآنجایی‌که در این آیه با توجه به متعلَق «من دون الله»، ــ که یا «ادعوا» و یا «شهداء» است ــ هرکدام از ترجمه‌های «جز» یا «برابر» صحیح است، اگر «من دون الله» به «ادعوا» متعلق باشد، معنای «غیر» می‌دهد، یعنی شاهدانی غیر از خداوند: «جز خدا را بخوانید» و اگر به «شهداء» متعلق باشد، معنای «امام یا بین یدی» می‌دهد، یعنی شاهدانی مقابل خداوند: «شاهدانتان را در برابر خدا بخوانید» (ابوحیان، ۱٤۲۰، ج ۱: ۱۷۳ و زمخشری، ۱٤۱٤، ج ۱: ۱۰۱)؛ اما در سورهٔ هود (آیه ۱۳)، واژهٔ «شهداء» وجود ندارد و «من دون الله» فقط به «ادعوا» متعلق است و تنها باید به‌صورت «جز» ترجمه شود؛ البته اگر مترجم در مقام ترجمهٔ تفسیری باشد، ارائهٔ هریک از دو ترجمه مانعی ندارد.

۵. بررسی معانی نسبی «دون» بر اساس محور هم‌نشینی

فردیناند دو سوسور[۱۷] برای واحدهای نظام زبانی دو نوع رابطه، معرفی کرده است: رابطهٔ هم‌نشینی و رابطهٔ جانشینی. اساس و بنیاد تشکیل هر زنجیرهٔ ساختاری در کلام به هم‌نشین‌ها و روابط میان آن‌ها وابسته است. در هر سطح یا طبقه‌ای از زبان، تکواژ، واژه، گروه، جمله‌واره و جمله نوعی هم‌نشینی وجود دارد (باطنی، ۱۳۷۳: ۳٥ـ۳۹؛ ابومحبوب، ۱۳۷٥: ۲۳ـ۳۲؛ قلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲٤۰). دیگر معانی «دون» و مبحث «هم‌آیی» آن را باید در محور هم‌نشینی[۱۸] کلام تحلیل کرد تا مشخص شود که در اثر سیاق و هم‌آیی این واژه با دیگر عناصر در محور هم‌نشینی، چه معانی دیگری از آن استفاده می‌شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

۵-۱. دون در معنای «پیش»

«دون النهر قتالٌ و دون قتل الأسد أهوال» (ابن‌منظور، ۱٤۰۸، ج ۱۳: ١٦٤). به معنی اینکه پیش از رسیدن به آن نهر یا کشتن شیر، درگیری وجنگ است.

«وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سجده، آیهٔ ۲۱)؛

فولادوند (١٤١٥): «و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگ‌تر، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می‌چشانیم»؛

مکارم (۱۳۷۳): «ما آن‌ها را از عذاب نزدیک (این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم»؛

خرمشاهی (۱۳۷۵): «و به ایشان عذاب کوچک‌تر را غیر از عذاب بزرگ‌تر، می‌چشانیم».

در ترجمهٔ این آیه میان مترجمان اختلاف‌نظرهایی دیده می‌شود. در ترجمهٔ فولادوند و خرمشاهی از دون به «غیر» تعبیر شده است.

«دون» در این آیه ظرف زمان به معنای «قبل» و «پیش» و متعلق به فعل است. با کمی تأمل مشخص می‌شود که همهٔ تفاسیر بر «عذاب دنیایی» به‌عنوان «الْعَذَابِ الْأَدْنَى» اتفاق‌نظر دارند: «فتعين أن العذاب الأدنى عذاب الدنيا» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ١٦٤)؛ به این معنی که: «پیش از عذاب بزرگ‌تر که قیامت است به کافران عذابی نزدیک‌تر می‌چشانیم» (طباطبایی، بی‌تا، ج ١٦: ۳۹۷). شبیه این نوع ترجمه در آیه‌ای دیگر نیز دیده می‌شود:

«وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ ...» (الطور، آیهٔ ٤٧)؛

فولادوند (١٤١٥): «و درحقیقت غیر از این [مجازات] عذابی [دیگر] برای کسانی که ظلم کرده‌اند، خواهد بود...»؛

مکارم (۱۳۷۳): «برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان)»؛

خرمشاهی (۱۳۷۵): «و برای ستمکاران عذابی جز این است».

در این آیه نیز دون ظرف زمان و متعلق به صفت (عذاباً) است. «أی قبل ذلک أو غیر ذلک» (صافی، ۱۹۹۸، ج ۲۷: ۳۵)؛ ازآنجاکه هردو معنای «غیر و قبل» با معنا تناسب دارد، ترجمهٔ «جز» یا «پیش» هردو برای این آیه مناسب است.

۵-۲. «دون» در معنی «أمام»

دُونَ به‌معنی أمام یعنی جلو، در جمله‌های «سار الرائد دون الجماعة»: پیشوا جلوی جماعت می‌رود؛ «من قتل دون دینه»: هر کس جلو و برای دفاع از دینش کشته شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

«وَ إِنْ كُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» (البقرة، آیهٔ ۲۳)؛

فولادوند (۱٤۱۵): «... سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را ــ غیر خدا ــ فراخوانید»؛

مکارم (۱۳۷۳): «... یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را ــ غیر خدا ــ برای این کار، فراخوانید اگر راست می‌گویید!»؛

خرمشاهی (۱۳۷۵): «... سوره‌ای همانند آن بیاورید و از یاورانتان در برابر خداوند، یاری بخواهید...».

چنانکه پیش‌تر (در معنای جز) هم اشاره شد، فقط در صورت تعلق «من دون الله» به «ادعوا»، معنای «غیر» و «جز» می‌دهد و اگر به «شهداء» متعلق باشد، معنای «امام» یا «بین یدی» دارد که می‌توان به‌صورت «در برابر» نیز ترجمه کرد.

«فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا» (مریم، آیهٔ ۱۷)؛

فولادوند (۱٤۱۵): «و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت پس روح خود را به‌سوی او فرستادیم ...».

مکارم (۱۳۷۳): «و حجابی میان خود و آن‌ها افکند...».

خرمشاهی (۱۳۷۵): «و از آنان پنهان شد، آن‌گاه روح خویش [جبرئیل] را به‌سوی او فرستادیم...».

واژهٔ «دون» در اینجا به‌معنای «أمام» است؛ به این معنی که «درمقابل آن‌ها حجابی قرار داد» که در برخی ترجمه‌ها مانند خرمشاهی، ترجمهٔ «دون» نادیده گرفته شده و در ترجمهٔ مکارم به «میان» برگردانده شده است.

«حَتَّی إِذا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَها تَطْلُعُ عَلی قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِها سِتْراً» (الکهف، آیهٔ ۹۰)؛

آیتی و همکاران (۱۳۷٤): «... که غیر از پرتو آن برایشان هیچ پوششی قرار نداده‌ایم»؛

فولادوند (۱٤۱۵): «... که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم»؛

مکارم (۱۳۷۳): «... (در آنجا) مشاهده کرد که خورشید بر جمعیتی طلوع می‌کند که جز آفتاب برای آن‌ها پوششی قرار نداده بودیم»؛

خرمشاهی (۱۳۷۵): «... و آن را چنین یافت که بر مردمانی که در برابر [تابش] آن پوششی برایشان نگذاشته بودیم، می‌تافت».

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

برخی از مترجمان «من دون» در این آیه را «دربرابر آفتاب» معنا کرده‌اند وبعضی دیگر «میان آن‌ها و آفتاب» و برخی «غیر از آفتاب»؛ ترجمهٔ دوم، هم صحیح‌تر و هم زیباتر به‌نظر می‌آید؛ زیرا هم با معنای لغوی «دون» سازگار است و هم دارای بلاغت است؛ «من دونها» در این آیه جار و مجرور متعلق به‌حال از «سترا» است (صافی، ۱۹۹۸، ج ١٦: ٢٤٨) و این معنا را می‌رساند که برای آن‌ها هیچ ساختمانی نبود، چون زمین آن‌ها تحمل هیچ بنایی را نداشت (قمی‌مشهدی، ١٣٦٨، ج ٨: ١٥٠).

افزون‌براین، معنای «میان» که در ترجمهٔ این آیه و آیهٔ پیشین به‌کاررفته‌بود، یکی دیگر از معانی «دون» است؛ «دون در معنای «بین»؛ «دون» ظرف مکان منصوب، به‌معنی «بَیْن» که برای آن آیهٔ «وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ أُمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ» (قصص، آیهٔ ٢٣) نمونه آورده می‌شود؛ «حالُوا دونَ هَدَفِهِ أی اعْتَرَضُوا بَيْنَهُ وبَيْنَ هَدَفِهِ، حال القوم دون فلان؛ بینه و بین من یطلبه، کـ«وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ ...» (ابن‌منظور، ١٤٠٨، ج ١٣: ١٦٤)؛ که البته در این آیه بر معنای «مقابل» برتری ندارد؛ زیرا حیای دختران شعیب اجازه قرارگرفتن آن‌ها را در میان مردان نمی‌دهد، بلکه آن‌ها در مقابل مردمان بودند.

۵-۳. دون در معنای «اقلّ و کمتر از دیگری»

در بعضی موارد، دون به‌معنای رتبهٔ پایین‌تر و یا عدد کمتر است، یعنی ظرف مکان منصوب به‌معنی، مانندِ «أقلّ من، عُمر فلان دون خمس سنوات، هو دونه مرتبةً» (جبران، ۱۹۷۸: ماده دون)؛ همچنین، آیهٔ «وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» (اعراف، آیهٔ ۲۰۵) را از این دسته دانسته‌اند که دقت آن زیاد نیست؛ نیز عبارات «یغفر الله ما دون الشِّرک به» در آیات قرآن، از این دسته‌اند که در اینجا بررسی می‌شوند:

«إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ» (نساء، آیهٔ ٤٨)؛

فولادوند (١٤١٥): «... غیر از آن را برای هرکه بخواهد می‌بخشاید»؛

مکارم (١٣٧٣): «... و پایین‌تر از آن را برای هرکس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد»؛

خرمشاهی (١٣٧٥): «...و هر گناهی را که فروتر از آن است، برای کسی که بخواهد می‌بخشد».

همان‌گونه که ازتفاسیر برمی‌آید «دون» در این آیات به‌معنای «اقلّ» است، یعنی اینکه قطعاً خداوند شرک را نمی‌آمرزد وگناه کمتراز آن را می‌آمرزد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

در بعضی از این ترجمه‌ها «دون» به «غیر» تعبیر شده است و «و یغفر مادون ذلک» به این معنی است که خدا گناه کمتر از این را و به‌قول بعضی، غیر این را می‌بخشد. این دو معنی (کمتر و غیر) هردو با یکدیگر همراه‌اند (غیریت همراه تسفل) و «أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونی وَ أُمِّیَ إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ ...» (المائدة، آیهٔ ۱۱۶) به همین معنی‌ست، یعنی غیر خدا. مترجمان برای آیهٔ مشابه آن، «وَیَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِکَ» (نساء، آیهٔ ۱۱۶)، ترجمه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند:

فولادوند (۱٤۱۵): «خداوند این را که به او شرک آورده شود نمی‌آمرزد و فروتر از آن را بر هرکه بخواهد می‌بخشاید ...»؛

مکارم (۱۳۷۳): «خداوند شرک به او را نمی‌آمرزد (ولی) کمتر از آن را برای هرکس بخواهد (و شایسته بیند) می‌آمرزد...»؛

خرمشاهی (۱۳۷۵): «خداوند [این گناه را] نمی‌آمرزد که برایش شریک قائل شوند و جز این [هر گناهی] را برای هرکس که بخواهد می‌آمرزد ...».

«مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِکَ» (اعراف: ۱٦۸)؛

فولادوند (۱٤۱۵): «برخی از آنان درستکارند و برخی از آنان جز این‌اند...»؛

مکارم (۱۳۷۳): «گروهی از آن‌ها صالح و گروهی غیر آن هستند ...»؛

خرمشاهی (۱۳۷۵): «بعضی از ایشان صالح‌اند و بعضی جز آن».

این آیه از مواردی است که «دون» به‌عنوان متعلق برای مبتدای مقدر قرارمی‌گیرد (صافی، ۱۹۹۸، ج ۲۹: ۱۱۸). ازآنجایی‌که «الصالحون» مبتدا است و با ظرف «دون ذلک» متناظر شده است، مبتدایی نیاز دارد که موصوف برای متعلَق «دون ذلک» باشد (صافی، ۱۹۹۸، ج ۹: ۱۱۵)؛ آیهٔ «وَ أَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذلِکَ کُنَّا طَرائِقَ قِدَداً» (الجن، آیهٔ ۱۱) نیز به همین شیوه است.

۵-۴. «دون» در معنای «فرودست‌بودن»

«وَ لَمَّا وَرَدَ ماءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ یَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَیْنِ تَذُودانِ...» (القصص، آیهٔ ۲۳)؛

رضایی و همکاران (۱۳۸۳): «و هنگامی که به (چاهِ) آب مَدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا یافت که (چهارپایان خود را) سیراب می‌کردند و پایین‌تر از آنان دو زن را یافت که (گوسفندان خود را از رفتن به طرف آبشخور) بازمی‌داشتند».

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

در ترجمهٔ واژه «دون» در این آیه، اختلاف سلیقه بسیار دیده می‌شود، این ترجمه‌ها عبارت‌اند از کنار آن‌ها/ پشت سرشان/ دور از مردان/ نزدیک آن‌ها/ فروتر (پایین‌تر)/ جدای از آن‌ها/ بین آن‌ها؛ یعنی قبل از رسیدن به آن امت، (با فاصله‌ای) آن دو زن را در مکانی پایین‌تر ازمکان امت دید (زمخشری، ١٤١٤، ج ٣: ٤٠١؛ قمی‌مشهدی، ١٣٦٨، ج ١٠: ٥٤؛ عاملی، ١٤١٣، ج ٢: ٤٧٢). برای این آیه معنای «بین» نیز آمده است که در جای خود بدان پرداخته می‌شود.

لطف تعبیر معنای «تذودان» ــ در دور کردن و ممانعت (قرشی، ١٣٧١، ج ٣: ٣٤٨) ــ و اینکه «موسی فهمید واپس‌شدن آن دو زن هم به‌خاطر نوعی تعفف و تحجب آن‌دو و ستم مردم به آن‌ها بوده..» (طباطبایی، بی‌تا، ج ١٦: ٢٨٤)، می‌رساند که اگر منظور فقط نشان‌دادن مکان آن‌ها بود، «دون» به‌صورت ظرف و منصوب آورده می‌شد. در اینجا نیز می توان گفت معنای «غیریت مع التسفل» همان ظرف مکان معنوی یعنی «فرودست‌بودن» معنایی بارز است.

«وَ مِنْ دُونِهِما جَنَّتانِ» (الرحمن، آیهٔ ٦٢)، مترجمان در ترجمهٔ «دون»، در این آیه نیز بسیار اختلاف کرده‌اند؛ و آن را به صورت‌های «غیرآن دو/ پائین‌تر / ورای/ مادون/ نزدیک قبل/ در کنار» ترجمه کرده‌اند (ابن‌عطیه اندلسی، ١٤٢٢، ج ٥: ٢٣٥؛ ابوحیان اندلسی، ١٤٢٠، ج ١٠: ٧٠)؛ و دربارهٔ «وَ مِنْ دُونِهِما جَنَّتانِ» باید گفت که ضمیر «هما» به دو جنتی برمی‌گردد که ازنظر درجهٔ فضل و شرف پایین‌تر از آن دو است، و این دو بهشت مخصوص مؤمنینی است که درجهٔ ایمانشان پایین‌تر از درجهٔ ایمان اهل اخلاص است[١٩] (زمخشری، ١٤١٤، ج ٤: ٤٥٣؛ بحرانی، ١٤١٦، ج ٥: ٢٤٢). پس معنای «پایین‌تر» قوی‌تر می‌نماید (طباطبایی، بی‌تا، ج ١٩: ١٨٦).

٥-٥. دون در معنای قرب و نزدیکی

یکی از معانی دون «قرب و نزدیک‌بودن با چیزی» است که در این‌صورت، ظرف واقع می‌شود (جبران، ١٩٧٨: مادة دون) که در این باره، شاهدی از کتاب ابن‌منظور (١٤٠٨: مادة دون) آورده می‌شود: «أدن دونک» أی اقترب منی. قال لبید: مثل الذی بالغیل یغزو مخمداً، یزداد قربا دونه أن یوعدا». در آیهٔ پیشین (الرحمن، آیهٔ ٦٢) طبرسی همین معنا را برگزیده است: «معنای کلمهٔ دون در این آیه، مکان نزدیک به یک چیز است در مقایسه به مکان دیگری که به آن اندازه به آن شیء نزدیک نیست» (١٣٧٢: ٣١٨)؛ که نمی‌تواند به‌عنوان معنای برگزیده بدان توجه کرد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

«حَتَّى إِذا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِما قَوْماً لا يَكادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلاً» (الکهف، آیهٔ ۹۳)؛

رضایی و همکاران (۱۳۸۳): «تاهنگامی‌که به میان دو سدّ (کوهی) رسید، نزد آن دو گروهی را یافت، که به فهم عمیق هیچ گفتاری نزدیک نبودند».

«من دونهما» یا حال برای «قوماً» است (عکبری، ۲۰۰۱، ج ٦: ۲۹) یا ظرف متعلق به «وجد» است (صافی، ۱۹۹۸، ج ١٦: ٢٤٩)؛ در این آیه نیز «من دونهما» به شکل‌های مختلف ترجمه شده است: پشت آن دو کوه/ نزدیک آن‌ها/ پیش (نزد) آن‌دو/ آنجا/ در مقابل آن‌ها؛ اما باتوجه‌به برخی تفاسیر معنای «نزدیک» مناسب‌تر به‌نظر می‌رسد (ابن‌عطیه اندلسی، ١٤٢٢، ج ۳: ٥٤٢؛ طباطبایی، ج ۱۳: ۵۰۳؛ واعظ کاشفی هروی، ۱۳۱۷، ج ۱: ٦٥٧)؛ چنین ترجمه برای واژهٔ «دون» در آیات دیگری نیز ذکر شده که بررسی آن از حوصلهٔ بحث خارج است.

۵-۶. دون در معنای تحقیر

گاه «دون» به معنای «حقیر و پست‌بودن» است؛ پایین‌تر از آن غایتی نیست، «لیس دونه منتهی؛ (فراهیدی، ١٤١٠، ج ۸: ۷۲؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲: ٢٠٤؛ الأزهری، بی‌تا، ج ١٤: ١٨٠؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۷۲). «لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِنْ دُونِكُمْ» (آل‌عمران، آیهٔ ۱۱۸)، أی: ممّن لم یبلغ منزلته منزلتکم فی الدّیانة، و قیل: فی القرابة. ابن‌منظور هم با اقتدا به ابن‌سیده دو معنای «تحقیر» و «تقریب» را برای «دون» گرفته‌اند؛ «إذا ما علا المرء رام العلاء، ویقنع بالدّون من کان دونا» (١٤٠٨، ج ١٣: ١٦٤).

«قُلْ إِنْ كانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَاللَّهِ خالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ (البقرة، آیهٔ ۹٤)؛

رضایی و همکاران (۱۳۸۳): «اگر در نزد خدا، سرای آخرت یکسر به شما اختصاص دارد، نه سایر مردم...».

دون لفظی است که اینجا برای اختصاص و قطع مشارکت به‌کارمی‌رود: «هذا لی و لا دونک» و در غیر این موضع، برای کم‌شدنِ منزلت یا مکان یا مقدار می‌آید (ابوحیان اندلسی، ١٤٢٠، ج ۱: ٤٩٧)؛ «من دون الناس» جار و مجرور متعلق به محذوف و حال مؤکد برای حال «خالصة» است (عکبری، ۲۰۰۱، ج ۱: ۱۵۰)، اینجا نیز «دون» نقش تأکیدی دارد و گرنه حذف آن از جمله مشکلی ایجاد نکرده است و تنها تأکید می‌کند که «اگر خانه آخرت فقط وفقط برای شماست نه مردم دیگر و نه مسلمانان، آرزوی مرگ کنید» و درواقع، نوعی تحقیرکردن و تنبه هم در آن دیده می‌شود. در آیهٔ مشابه معنای «غیر» بدون لحاظ‌کردن «تحقیر» ارائه شده است که ترجمهٔ دقیقی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

نیست:

«إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاء لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ» (جمعه، آیهٔ ٦)؛

فولادوند (١٤١٥): «... اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر...»؛ مکارم: «اگر گمان می‌کنید که شما دوستان خدا غیر از مردم هستید ...»؛

خرمشاهی (١٣٧٥): «... اگر گمان می‌کنید که شما از میان همهٔ مردم، دوستان خدا هستید،...».

در این ترجمهٔ اخیر، حتی از معنای «غیر» صرف‌نظر و ازآن به «من بین» تعبیر شده است که فاصلهٔ بیشتری از معنای وفادار گرفته است.

۵-۷. «دون» در معنای «عوض و به‌جای»

«إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاء» (اعراف، آیهٔ ٨١)؛

فولادوند (١٤١٥): «شما از روی شهوت به‌جای زنان با مردان درمی‌آمیزید»؛

مکارم (١٣٧٣): «آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، نه زنان؟»؛

خرمشاهی (١٣٧٥): «شما از روی شهوت، با مردان، به‌جای زنان می‌آمیزید».

همچنین «وَاتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ» (فرقان، آیهٔ ٣)؛

فولادوند (١٤١٥): «و به‌جای او خدایانی برای خود گرفته‌اند...»؛

مکارم (١٣٧٣): «آن‌ها غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند ...»؛

خرمشاهی (١٣٧٥): «و [مشرکان] به‌جای او خدایانی را به پرستش گرفته‌اند ...».

واژهٔ «غیر» در ترجمهٔ مکارم هرگز عدم شمول خدا را در دایرهٔ پرستش آشکارا بیان نمی‌کند؛ گرچه جملهٔ وصفیه در ادامه، ضعف معبودانی را نشان می‌دهد که به‌جای خدا پرستش می‌شوند.

«أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ» (صافات، آیهٔ ٨٦)؛

فولادوند (١٤١٥): «آیا غیر از آن‌ها به دروغ خدایانی [دیگر] می‌خواهید»؛

مکارم (١٣٧٣): «آیا غیر از خدا، به سراغ این معبودان دروغین می‌روید». خرمشاهی: «آیا به دروغ و دغل در هوای خدایانی به جای خداوند هستید؟».

واژهٔ «دون» در این آیه به‌معنای غیر است ودر جایگاه نعت برای «الهة» است (صافی، ١٩٩٨:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

۲۳: ۷۰). یعنی آیا از درِ افتراء خدایانی دیگر به‌جای خدای عزوجل قصد می‌کنید (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۷: ۲۲٤)؛ زیرا قوم ابراهیم (ع) فقط بتان را می‌پرستیدند و مانند مشرکان مکه بقایای خداپرستی را حفظ نکرده بودند: «دُونَ اللَّهِ أی خلاف اللّه و غیره» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۳: ٥٤). در برخی ترجمه‌ها، از واژه‌های «عوض» و «به‌جای» استفاده شده که کاملاً صحیح است.

۵-۸. «دون» درمعنای «بدون»

«وَاذْكُر رَّبَّكَ فِی نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ وَلاَ تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ (اعراف، آیهٔ ۲۰۵)؛

فولادوند (۱٤۱٥): «و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس بی‌صدای بلند یاد کن»؛

مکارم (۱۳۷۳): «پروردگارت را در دل خود از روی تضرع و خوف و آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن!»؛

خرمشاهی (۱۳۷٥): «و پروردگارت را در بامدادان و شامگاهان در دلت به زاری و ترس و بدون بانگ برداشتن، یاد کن».

مکارم در ترجمه این آیه برای «وَدُونَ الْجَهْرِ» برابرنهادی مناسبِ «آهسته» را آورده است. پس گاهی واژهٔ «دون» در معنای «بدون» است که در این‌صورت با کلمهٔ پس از خود ترجمه می‌شود. البته باتوجه‌به معنایی که در ترجمه‌های این آیه دیده می‌شود؛ یعنی «بدون صدای بلند» و«به صدایی فروتر از آواز بلند»، به‌نظرمی‌رسد که «دون» در این آیه معنای «غیر» داشته باشد، گرچه به معنای «زیر» هم به‌کار رفته است.

۶. نتیجه‌گیری

در معناشناسی توصیفی واژهٔ «دون» در قرآن، باتوجه‌به حوزهٔ معنایی و بافت کلامی آن و با دقت در تفاسیر مختلف، مشخص می‌شود:

دربارهٔ اختلاف زبان‌پژوهان بر اشتقاق فعل از«دون» یا جامد غیرمصدری‌بودن آن باید گفت، ازآنجاکه مصدر در معنی مشتقات به کار رفته است، مبالغه در صفت را نشان می‌دهد؛ بنابراین، وقتی «دون» صفت واقع شود، مصدربودن آن صحیح‌تر می‌نماید وبه معنای «حقیر،

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

خسیس و مسترذل» است و اگر در معنای «تقریب» به‌کاررود، ظرفِ مکان منصوب است، گرچه کاربردش در معنای «پیش و قبل» آن را به ظرف زمان نزدیک می‌کند.

بررسی «دون» در محور جانشینی با واژگان مترادف آن مانند «غیر»، «سوی» و حرف «إلا» تفاوت آن را به‌صورت دربرداشتن معنای «فروتربودن»، در کنار معنای «جز» نشان می‌دهد، ازاین‌رو، «غیریت» معنای صریح و پایه برای «دون» است که آن را با دیگر واحدهای معنایی (سوی، غیر، إلا) پیوند می‌دهد؛ اما امتیاز «دون» در این است که معنای حقارت و پایینی را نیز به همراه دارد. ازاین‌رو، در تمامی کاربردها، واژهٔ پیش از آن، ازنظر رتبه در سطح نازل‌تری از واژهٔ پس از آن قرار می‌گیرد.

تقریباً در تمامی آیاتی که دارای «دون» هستند (۱٤٤ نمونه)، همین معنای «غیریت مع التسفل» (جز آن، همراه با پست‌تربودن) دیده می‌شود؛ اما فضای متن نیز بر کلمات و واژه‌ها، تأثیر می‌گذارد و معانی جدیدتری ایجاد می‌کند و به اعتبار قرب، تأخّر و تسفّل در رتبه یا کمیت یا کیفیت، معانی نسبی چون: «قبل، امام، غیر، اقل، عند، بعد، و ...» نیز برداشت می‌شود.

در رابطهٔ هم‌نشینی واژهٔ «دون» با حرف جر «من»، معنای تأکیدیِ بیشتری می‌یابد و حتی‌الامکان باید در ترجمه نمود یابد؛ قرارگرفتن این واژه به‌طورویژه در کنار «جلاله الله»، در «من دون الله» (۷۰ بار)، با اختلاف فاحش رتبه‌های پیش و پس از این واژه ــ که در ترجمه‌های کهن با برابرهای «از فرود» و «از فرود از» برگردان شده‌است ــ ضرورت برابرنهاد دقیق و متناسب با واژه‌های امروزی را بسیار بیشتر کرده است؛ برابرنهادهایی مانندِ «غیری کمتر از خداوند» یا «جز خدا که پایین‌تر است»؛ بنابراین، واژهٔ اصیل فارسی «فرودِ» مناسب‌ترین برابرنهاد برای «دون» به‌شمارآمده و ضمن معنای استثنای مندرج در واژهٔ «غیر»، معنای «فروتر/ پایین‌تر» موجود در «تسفل» را نیز می‌رساند؛ برابرنهادهایی چون: «غیر، جز، مگر، عوض، به‌جای و ...» نمی‌تواند معنای «تسفل و پایینی» و معنای تحقیر نهفته در واژهٔ «دون» را منعکس سازد.

با بهره‌گیری از دانش معناشناسی، می‌توان ترجمه‌های مختلف آیات را دربارهٔ واژه «دون» به‌خوبی بررسی کرد؛ در مقام مقایسهٔ مترجمان کهن و امروزی، می‌توان گفت، مترجمان پیشین با وسواسی وصف‌ناپذیر، در برابر ترجمهٔ «دون» در کلام خداوند دقت به خرج داده‌اند؛ اما تنها برخی مترجمان معاصر راه درست را در ترجمهٔ این واژه طی کرده‌اند و ازآنجایی‌که واژه‌های اصیل فارسی به فراموشی سپرده شده است، هیچ‌کدام «دون» را به «فرودِ» برنگردانده‌اند.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

متعلَق ظرف «دون» به‌عنوان مؤلفه سیاق و بافت کلام، در معنای نسبی آن تأثیر دارد. چنانچه در «وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (البقرة، آیهٔ ۲۳)، «من دون الله» به «ادعوا» متعلق باشد، معنای «غیر»، و اگر به «شهداء» متعلق باشد، معنای «امام» یا «بین یدی» می‌دهد و هرکدام از ترجمه‌های «جز» یا «برابر» صحیح است.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Semantics
2. term
3. explicit and implicit meanings
4. Structural Semantics
5. Paradigmatic relation
6. Syntagmatic Relation
7. Original meaning
8. Relative meaning
9. Criticism
10. Toshihiko Izutsu

۱۱. در آیه «وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»(احزاب، آیهٔ ۵۰) چون مسئلهٔ نکاح وشهوت درمرتبهٔ پایین‌تر از ایمان است، مقام پیامبر نازل‌تر از مومنان درنظر آمده است.

۱۲. گفتنی است صحیحِ این آیه «إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا» (النساء، آیهٔ ۱۱۷) است.

۱۳. ***تفسیر ابوالفتوح***

۱٤. ***کشف‌الاسرارمیبدی***

۱۵. ***تفسیر عتیق سورآبادی***

۱٦. ***تفسیر ابوالفتوح***

17. F. de Saussure
18. Syntagmatic axis

۱۹. منظور همان اصحاب یمین در سورهٔ واقعه است.

۸. منابع

- ***قرآن کریم***
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷٤). ***ترجمهٔ قرآن (آیتی)***. چ ٤. تهران: انتشارات سروش.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

- اللأزهری، أبومنصور (۲۰۱۰م). ***التهذیب فی اللغة***. به‌تحقیق عبدالسلام هارون. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- ابن‌عاشور، محمدبن‌طاهر (بی‌تا). ***التحریر و التنویر***. چ ۱. بیروت: موسسه تاریخ.
- ابن‌فارس، احمد (۱۹۹۱م). ***معجم مقایس اللغه***. به‌تحقیق عبدالسلام هارون. بیروت: دار الجیل.
- ابن‌منظور، عبدالله (۱٤۰۸ق). ***لسان العرب***. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱٤۲۲ق). ***المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز***. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن یعیش النحوی بن علی، موفق‌الدین ابن صائغ (۱۳۷۸). ***شرح‌المفصل لمحمود بن عمر الزمخشری***. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱٤۲۰م). ***البحر المحیط فی التفسیر***. بیروت: دارالفکر.
- ابومحبوب، احمد (۱۳۷۵). ***ساخت زبان فارسی***. تهران: میترا.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰). ***از نشانه‌های تصویری تا متن***. چ ۸. تهران: نشر مرکز.
- ایزوتسو، توشی‌هیکو (۱۳٦۰). ***ساختمان مفاهیم اخلاقی ـ دینی در قرآن***. ترجمهٔ فریدون بدره‌ای. تهران: قلم.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۳). ***توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی***. تهران: امیرکبیر.
- بحرانی، سید هاشم (۱٤۱٦ق). ***البرهان فی تفسیر القرآن***. چ ۱. تهران: بنیاد بعثت.
- جبران، مسعود (۱۹۷۸م). ***الرائد***. ط۱۳. بیروت: دارالعلم الملایین.
- خرمشاهی، بهاالدین (۱۳۷۵). ***تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن قرآن کریم (ترجمهٔ خرمشاهی)***. تهران: جهان کتاب.
- خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳٦۷). ***کتاب حروف اضافه و ربط***. چ ۱. تهران: مهارت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۲). ***لغت‌نامه***. تهران: سازمان لغت‌نامه.
- راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا). ***معجم مفردات ألفاظ القرآن***. بیروت: دارالفکر.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۳). ***ترجمه قرآن (ترجمه رضایی)***. چ ۱. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
- زجاجی، ابوالقاسم (۱۹۸۲م). ***الجمل فی النحو***. به‌تحقیق مازن المبارک. ط ٤. بیروت: دارالنفائس.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

- زمخشری، جارالله محمود بن عمر (١٤١٤ق). ***تفسیر الکشاف***. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ساسانی، فرهاد و پرویز آزادی (۱۳۹۱). «تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوهٔ هم‌نشینی و جانشینی». ***جستارهای زبانی***. د ٦. ش ۱ (پیاپی ۹). صص٦٧-٨٤.
- السامرائی، فاضل صالح (۲۰۱۲م). ***معانی النحو***. الأردن: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- سیبویه (۱۹۷۷م). ***الکتاب***. به تحقیق عبدالسلام هارون. الخانجی. ط ۲. القاهرة.
- صافی، محمود (۱۹۹۸م). ***الجدول فی اعراب القران و صرفه***. ط ۲. دمشق: دارالرشید.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: سوره مهر.
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). ***تفسیر المیزان***. ترجمهٔ محمدباقر موسوی‌همدانی. قم: چاپ فرهنگ.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***. چ ۳. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. چ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عاملی، علی بن حسین (١٤١٣ق). ***الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز***. چ ۱. قم: دارالقرآن الکریم.
- عکبری، أبوالبقاء (۲۰۰۱م). ***التبیان فی اعراب القرآن***. بیروت: دارالفکر.
- عضیمه، صالح (۱۳۸۰). ***معناشناسی واژگان قرآن***. ترجمهٔ سیدحسین سیدی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤١٠م). ***کتاب العین***. چ ۲. قم: انتشارات هجرت.
- فولادوند، محمدمهدی (١٤١٥ق). ***ترجمهٔ قرآن (فولادوند)***. چ اول، تهران: دارالقرآن الکریم.
- فیومی، احمد بن محمد (١٤١٤ق). ***مصباح المنیر***. قم: دارالهجره.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). ***قاموس قرآن***. چ ٦. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- قمی‌مشهدی، محمد بن محمدرضا (١٣٦٨). ***تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب***. چ ۱. تهران: سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- قلی‌زاده، حیدر (۱۳۸۰). ***مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم***. تبریز: مؤسسه تحقیقات علوم اسلامی- انسانی دانشگاه تبریز.
- گنتزلر، ادوین (۱۳۸۰). ***نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر***. ترجمهٔ علی صلح‌جو. تهران: هرمس.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). ***ضد روش ۲***. تهران: جامعه‌شناسان.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

- مصطفوی، حسن (۱۳٦۰). ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد (۱۳٦۲). ***فرهنگ معین***. تهران: امیرکبیر.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). ***ترجمه قرآن (مکارم)***. چ ۲، قم: دارالقرآن الکریم.
- ناتل‌خانلری، پرویز (۱۳۷۲). ***دستور تاریخی زبان فارسی***. به‌کوشش دکتر عفت مستشارنیا. تهران: توس.
- واعظ کاشفی هروی، کمال‌الدین حسین (۱۳۱۷). ***مواهب علیه، یا تفسیر کاشفی***. معروف به تفسیر حسینی. به‌کوشش محمدحسین مشهور به توکلی. ناشر: اقبال.

References:

- Abu Hayan Andalusi, M. (1999).*Bahr Al Muhit fi Tafsir.* Beirut: Dar Al Fikr [In Arabic].
- Abu Mahboub, A. (1997*).The Structure of Persian*. Tehran: Mitra [In Persian].
- Ahmadi, B. (2002). *From Pictorial Signs to the Text*.8th edition. Tehran: Markaz [In Persian].
- Alazhari, A. (2010). *Civility in the Language*. Abd Alsalam Haroon. Beirut: Dar Ehia Altras Al ?arabi [In Arabic].
- Alsameraei, F. (2012). *Meanings of syntax*. Alordon: Dar Al Fikr Leltaba?at & Alnashr & Altozie [In Arabic].
- Ameli, A. (1992). *The Brief Explanation of Holy Quran.*1th edition. Qom: Dar Al Quran Al karim [In Arabic].
- Ayati, `Abd al- Muhammad (1995). *Translation of the Quran*.4th edition. Tehran: Soroush [In Persian].
- Bateni, M. (1995). *Grammatical Description of the Persian Language Construction.* Tehran: Amirkabir [In Persian].
- Bahrani, Seyyedd Hashim bin Sulaiman bin Ismail al Husaini (1374). *Al-Burhan fi Tafsir Al-Quran* , Tehran: Be'ssat Foundation[In Arabic].
- Dehkhoda, A. (1974*) Dictionary*. Tehran: Sazmane Logatnameh [In Persian].
  Faioomi, A. (1993). *Mesbah Al Monir*. Qom Dar Al Hejre.
- Farahidi, KH. (1989). *The Eye (Al-Ein) Book*.2th edition. Qom: Hejrat [In Arabic].
- Fayd al- Islam, Seyyed Ali Naqi (1999*). Tarjome va Tafsir Quran Azim*.2th edition. Tehran: Faqih [In Persian].
- Fouladvand, M.M. (1994). *Translation of the Quran*. Tehran: Dar al- Quran al-Karim [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

- Garmaroudi. (2005). *Translation of the Quran*.2th edition. Tehran: Qadyani [In Persian].
- Gentzler, E. (2002).*Contemporary Theories of Translation*. Translated by: Ali Solhjoo. Tehran: Hermes [In Persian].
- Gholi zadeh, H. (2002*). Structural Problems in Translation of Holy Quran*. Tabriz: Islamic Science and Research Foundation of Tabriz University [In Persian].
- Ibn Ashur, M. *Editorial and Enlightenment*. Beirut: Tarikh Institute [In Arabic].
- Ibn Atieh Andalusi, A. (2001). *Moharar Al Vajiz fi Tafsir Al Kitab Al?ziz.*Beirut:Dar Alkotob-e- ?elmiye.
- Ibn Faris, A. (1991). *Dictionary of the Language Measures*. Abd Alsalam Haroon. Beirut: Dar Al Jeil [In Arabic].
- Ibn Manzour, A. (1987*). Arab's Language.* Beirut: Dar Ehia Altras Alarabi [In Arabic].
- Ibn Yaeish A. (2000). *Comprehensive Explanation of Zamakhshari*. Tehran: Naser Khosrow [In Arabic].
- Izoteso, T. (1982). *The structure of Ethic and Religious Concepts in Holy Quran.* Translated by: Fereydoun Badre'i. Tehran: Qalam [In Persian].
- Jobran, M. (1978*). Al Ra'ed*. Beirut: Dar Al? Elm Lel Mala?ein [In Arabic].
- Kavian-Pour, A. (1999). *Translation of the Quran*. 3th edition. Tehran: Iqbal [In Persian].
- Khajavi, M. (1990). *Translation of the Quran.* 1th edition. Tehran: Mowla [In Persian].
- Khatib-rahbar, KH. (1989). *Conjunctions and Preposition's Book.* 1th edition. Tehran: Maharat [In Persian].
- Khorram Shahi, B. (1997). *The Newest Persian Translation of Holy Quran*. Tehran: Jahane Kitab [In Persian].
- Makarem shirazi, N. (1995).*The Persian Translation of Holy Quran*, Qom: Dar Al Quran Al karim [In Persian].
- Meshkini, A. (2002). *Translation of the Quran (*Meshkini).2th edition. Qom: Al-Hadi Publication [In Persian].
- Moein, M. (1984).*Moein Dictionary*. Tehran: Amirkabir [In Persian].
- Mohammadpour, A. (2012).*Against Way*2.Tehran: Jame Shenasan [In Persian].
- Mostafavi, H. (1982). *The Investigation in Holy Quran Words.* Tehran: Bongahe Tarjomeh & Nashre Kitab [In Arabic].
- Natel Khanlari, P. (1994).*The historical Grammar of Persian Language*. H.: Dr. Effat-e- Mostasharnia, Tehran: Tous [In Persian].
- Okbari, A. (2001).*Al Tebyan fi?'erab Al Quran.* Beirut: Dar Al Fikr [In Arabic].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]

- Ozaimah, S. (2002). *Semantics of Words in Holy Quran.* Translated by: Seyyed hussein Saeidi. Mashhad: Astan-e- Qodse Razavi [In Persian].
- Qomi Mashhadi, M. (1990).*Kanza Al Daqa'eq and Bahr Al Raqa'eb Interpretation.* Tehran: Publishing and Printing Organization of Ershad-e-Eslami [In Arabic].
- Qorshi, A. (1993). *The Lexemes of Holy Quran* .6th edition. Tehran: Dar Al kitab Al?eslamiye.
- Ragebe Esfahani: H. (undated). *Vocabulary of Holy Quran*. Beirut: Dar Al Fikr [In Arabic].
- Rezaei Esfahani, M. (2005). *Translation of the Holy Quran.*1th edition. Qom: Cultural Research Foundation of Dar Al zekr [In Persian].
- Sadiq Nowbari, `Abd al- Majid. (1976). *Translation of the Quran (*Nowbari).1th edition. Tehran: Iqbal [In Persian].
- Safavi, K. (2001). *Introduction to Semantics*. Tehran: Sourey-e- Mehr [In Persian].
- Saffar- zadeh, T. (5001). The *Translation of the Quran*.2th edition. Tehran: Soroush [In Persian].
- Safi, M. (1998).*The table in Express of Holy Quran and his exchange (his Grammar).*2th edition .Dameshq: Dar Al Rashid [In Arabic].
- Sasani, Farhad & P. Azadi (2013). *Analysis of Meaning Components of "Truth": Syntagmatic and Paradigmatic Approach. Language Related Research.* Vol. 6. No.1. Pp.67-84 [In Persian].
- Sībawayh , Amr ibn 'Uthmān ibn Qanbar Al-Baṣrī (1977).*Al-kitab*. Al Qahere [In Arabic].
- Tabarsi, F. (1994). *The Complex Statement in Explanation of Holy Quran.*3th edition.Tehran: Naser Khosrow [In Arabic].
- Tabatabaei, M .T (undated) .Tafsire Almizan: Translated by: Mohammad Baqer Mousavi Hamadani. Qom: Farhang [In Arabic].
- Tarihi, F. (1997).*Majma'Al Bahrein*. 3th edition. Tehran: Mortazavi Book Store[In Arabic].
- Vaeze Kashefi Heravi, Kamal Al din H. (1939*).Kashefi Explanation*. H: Mohammad Hussein (Tavakoli).Tehran: Egbal [In Persian].
- Zamakhshari, J. (1993) *Al-Kashshaaf*. Qom: Maktab Al e'lam Al eslami [In Arabic].
- Zojaji, A. (1982). *Sentences in Syntax*. By: Mazen Almobarak. T. 4. Beirut: Dar Al nafa'es [In Arabic].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-18]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.1.9.7]